

## نیروانه در هیئتیانه و مهاییانه<sup>۱</sup>

یحیی نصرتی<sup>۲</sup>

دانش‌آموخته‌ی دکترای دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، گروه ادیان و عرفان، تهران، ایران

ابوالفضل محمودی

دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، گروه ادیان و عرفان، تهران، ایران

### چکیده

هدف غایی دین‌ورزی و سلوک بودایی نجات از رنج و چرخه‌ی بازپیدایی است. آموزه‌ی نیروانه اصلی‌ترین آموزه‌ی مشترک مکاتب و طریقت‌های بودایی در تبیین آن هدف است. چندین رویکرد در تفسیر معنای این آموزه وجود دارد. رویکردهای سلبی، اثباتی و متناقض‌نما از مهم‌ترین آنهاست. هر کدام از طریقت‌های هیئتیانه و مهاییانه، علی‌رغم اشتراک‌شان در پذیرش این اصل، از این آموزه تفسیرهای خاص خودشان را دارند. می‌توان گفت مفهوم نیروانه در طریقت مهاییانه نسبت به طریقت هیئتیانه بسط معنایی بیشتر داشته است.

### کلیدواژه‌ها

دین بودایی، هیئتیانه، مهاییانه، نیروانه.

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۵/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۶/۲۶

۲. پست الکترونیک (مسئول مکاتبات): nosratyahya@gmail.com

## مقدمه

هدف غایی سلوک بودایی در هر دو طریقت مهاییانه و هیئنه یانه هدفی نجات‌شناختی است. البته نجات بودایی در معنایی که در ادیان سامی فهمیده می‌شود نیست. چنین نجاتی نجات از گناه و آتش دوزخ نیست. به باور بوداییان زندگی در بهشت و دوزخ موقتی است؛ از این رو، همه کسانی که در بهشت یا جهنم آسمانی به سر می‌برند وقتی اثر کرمه<sup>۱</sup> اعمال‌شان از بین برود تناسخ خواهند یافت. رنج و عذاب اصلی دخول در جهنم نیست بلکه رنج اصلی در چرخه بازپیدایی مکرر یا همان سنساره<sup>۲</sup> است. هر کس می‌داند زندگی فعلی هر چند پر محنت سرانجام به پایان می‌رسد. اما اگر چرخه زندگی‌ها به پایان نرسد رنج‌های زندگی مکرر تداوم خواهند یافت.<sup>۳</sup>

نجات بودایی گرچه در راستای مفهوم نجات (مکشه)<sup>۴</sup> در سنت هندی است، ولی به معنای اوپنیشدی نجات نهایی یعنی اتحاد و استغراق خود شخصی (آتمن)<sup>۵</sup> در خود الهی (برهمن)<sup>۶</sup> نیست.<sup>۷</sup> نجات در معنای بودایی خواه نجات فردی باشد یا نجات فرافردی با مفهوم نیروآنه گره خورده است. هدف نهایی نجات‌شناختی بودایی رسیدن به نیروآنه است.<sup>۸</sup> لذا شناخت مفهوم نیروآنه برای فهم غایت سلوک بودایی و درک نجات‌شناسی بودایی ضرورت دارد. گرچه «برای شخص بودایی مهم‌ترین مسأله شناخت نیروآنه نیست بلکه رسیدن به نیروآنه است»،<sup>۹</sup> شناخت نیروآنه لازمه رسیدن به آن است و از دو جهت اهمیت دارد. اولاً، برای خود بوداییان از این جهت اهمیت دارد که بدانند قرار است به چه

---

1. Skt. karma; Pal. kamma

2. saṃsāra

3. Rhys Davids, T. W., *Buddhism: Its History and Literature*, New York and London, G. P. Putnam's Sons, 1907, pp.153-155.

4. mokśa

5. Skt. ātman / Pal. atta

6. H. brahman Skt. brāhman

7. Radhakrishnan, Sarvepalli, *Indian Philosophy*, Holland, Van Leer and Co, 1948, vol.1, p.238, vol.2, p.709.

8. cf. Thomas, Edward J., *The History of Buddhist Thought*, London, Lowe and Braydon, 1953, pp.119-132, 162-175.

9. Possin, L. De La Vallee, *The Way to Nirvana, Six Lectures on Ancient Buddhism As a Discipline of Salvation*, Cambridge, Cambridge University Press, 1917, p.112.

هدفی برسند. ثانیاً، غیر بوداییان درک درستی از این مفهوم داشته باشند تا نقد و بررسی آنها عالمانه باشد وگرنه ممکن است دچار کج‌فهمی و قضاوت نادرست شوند. مسأله مورد بحث این است که اولاً آیا دو طریقت هیئتیانه و مهاییانه از آموزه نیروانه فهم مشترکی دارند یا نه؟ ثانیاً تشابه و تفاوت‌های احتمالی در برداشت آنها از این آموزه کدام است؟

### تعریف اصطلاحات

هیئتیانه: <sup>۱</sup> «یانه» به معنای «وسیله نقلیه»، «حرفه»، «دوره زندگی» و در اصطلاح به معنای «مکتب» و «طریقت» است که در اینجا معنای طریقت مورد نظر است و «هیئتیانه» به معنای کوچک است. <sup>۲</sup> هیئتیانه به معنای «چرخ کوچک» یکی از سه طریقت معروف بودایی است و سنتی‌ترین آنها محسوب می‌شود و به بودایی اصیل و بودایی جنوبی هم معروف است. در این طریقت صرفاً متون کانون پالی به عنوان متون مقدس مورد قبول است. <sup>۳</sup>

مهاییانه: <sup>۴</sup> مهاییانه به معنای «چرخ بزرگ» به طریقت دیگر بودایی اطلاق می‌شود که نسبت به هیئتیانه طریقتی گسترش یافته‌تر است و پیروان بیشتری دارد و به بودایی شمالی هم معروف است. در این طریقت علاوه بر متون کانون پالی سوتره‌های مشایخ هم جزو کتاب‌های مقدس محسوب می‌شود. <sup>۵</sup>

نیروانه: <sup>۶</sup> مشهورترین معنای لغوی آن «خاموش شدن شعله و آتش» <sup>۷</sup> است اما این اصطلاح معانی متنوعی دارد و معرفی جنبه‌های مختلف این معانی از اهداف این نگارش است.

1. hīnayāna

2. yāna

3. Dasgupta, Surendranath, *A History of Indian Philosophy*, Cambridge, Cambridge University Press, 1932, vol.1, p.125.

4. Ibid, vol.1, p.125; "The Differences between Hinayana and Mahayana", <http://www.sgilibrary.org>

5. mahāyāna

6. cf. Dasgupta Surendranath, vol.1, p.125; "The Differences between Hinayana and Mahayana", <http://www.sgilibrary.org>

7. Skt. nirvāṇa, Pal. nibbāna

8. Rhys Davids T. W. and William Stede eds. *Pali English Dictionary*, Pali Text Society, London, 1921–5, reprint, 1952, vol.4, p.198.

## رویکردها

برای تبیین و تفسیر آموزه نیروانه در دو طریقت هیئتیانه و مهاییانه رویکردهای مختلفی وجود دارد: سلبی، اثباتی، متناقض‌نما و نمادین.<sup>۱</sup>

اولین و رایج‌ترین رویکرد عبارت است از بیان سلبی نیروانه. طبق این رویکرد از نیروانه به عنوان «وجودی یاد می‌شود که فاقد برخی صفات و ویژگی‌هاست».<sup>۲</sup> از جمله بی‌مرگ،<sup>۳</sup> تغییر ناپذیر، نابود نشدنی،<sup>۴</sup> پایان ناپذیر،<sup>۵</sup> تولید نشده، نابودی باز پیدایی، تولد نیافتده، فریب ناپذیر،<sup>۶</sup> نامخلوق، بی‌آرزو، بی‌پیری، بی‌تناسخ، بی‌حد و حصر،<sup>۷</sup> خاموشی رنج،<sup>۸</sup> رنج،<sup>۹</sup> و رهایی نهایی.<sup>۱۰</sup>

مستشرقان در تفسیر نیروانه عمدتاً از این رویکرد استفاده کرده‌اند. اما برخی از متفکران بودایی رویکرد مستشرقان را در توجّه به وجه سلبی آموزه نیروانه مورد انتقاد قرار داده‌اند و روش آنها را نادرست ارزیابی کرده‌اند. زیرا هر کدام از مستشرقان معنای سلبی خاصی از نیروانه را با استفاده از سوتره‌ای قطعی در نظر گرفته‌اند و نهایتاً آن را به معنای «خاموش‌سازی» یا «نابودی» در نظر گرفته‌اند.<sup>۱۱</sup> در صورتی که نیروانه به معنای منفی مردن، فنای روح یا هیچ معنای بدبینانه‌ای که برخی از مستشرقان پنداشته‌اند نیست.<sup>۱۲</sup>

به ادعای بوداییان، بودا به آموزه نیروانه در معنای تعطیلی و چشم‌پوشی کامل از خواسته‌های انسانی تحت عنوان مبارزه با خودخواهی نمی‌نگرد. نیروانه‌ای که همه

- 
1. Stcherbatsky, Theodore, *The Conception of Buddhist Nirvana with Sanskrit Text of Madhyamaka-kārikā*, Delhi, Motilal Banarsidass Publication, 1999, p.25.
  2. Beal, S, *Buddhism in China*, London, Society for Promoting Christian Knowledge, New York, E. J. B. young Co, 1884, p.200.
  3. amṛta
  4. acyuta
  5. ananta
  6. apalokina
  7. anuttaram
  8. dhukhanirodha
  9. apavagga
  10. Stcherbatsky, Th., p.25.
  11. Suzuki, Daisetz Teytaro, *Outline of Mahayana Buddhism*, London, Luzac and Company, 1907, p.331.
  12. Rhys Davids, T. W., *Early Buddhism*, London: Archibald Constable and Co. Ltd, 1908, p.73.

احساسات اعم از احساسات ارزش‌مند یا بی‌ارزش در آن خاموش گردد هدف زندگی بودا نبوده است. بلکه برعکس بودا به پیروانش سفارش می‌کند همه نیروی خود را بر رهایی از بندهای جهل و خودخواهی به‌کار گیرند، زیرا این کار در واقع راه غلبه بر بیهودگی‌های عالم و طریقی برای لذت بردن از زندگی جاوید است.<sup>۱</sup>

گرچه این رویکرد تمام حقیقت مفهوم نیروانۀ را روشن نمی‌سازد ولی یکی از وجوه آن را مشخص و برجسته می‌سازد که به معنای نفی چیزی، ترک چیزی، خاموشی از چیزی، خاموش‌سازی چیزی، نابود کردن چیزی و امثال آن است. این رویکرد مشخص می‌کند که نیروانۀ متعلق یا متعلق‌هایی پیشینی دارد که لازم است سالک از خود سلب کند. اختلاف تفسیر افرادی که با این رویکرد به بررسی این آموزه می‌پردازند در تشخیص و تفسیر نوع متعلق است: آیا متعلق آن اعمال نادرست و تأثیر اخلاقی آنهاست، یا صرف اعمال و تأثیر اعمال اعم از درست و نادرست و کرمۀ حاصل از آنها و تأثیر وجودشناختی آنهاست، یا میل و عطش نادرست و شهوات و تأثیرات ناگوار روان‌شناختی است یا هر نوع میل و عطشی و تأثیر تکوینی آنهاست، یا غفلت و جهل علمی و معرفت‌شناختی است یا هر نوع معرفت تمیزگر و غیر شهودی که آثار تکوینی دارد و یا همه این موارد.

رویکرد دوم رویکرد اثباتی است. رویکرد اثباتی به معنای مختلفی که حاکی از وجود نوعی حالت باطنی است دلالت دارد. آرامش<sup>۲</sup> یا آرامش مطلق<sup>۳</sup> که نوعی تسکین عطش و رنج و نوعی سکوت و سکون است؛ خوشی و سعادت،<sup>۴</sup> فرزانگی،<sup>۵</sup> اشراق،<sup>۶</sup> آگاهی و معرفت،<sup>۷</sup> و امنیّت<sup>۸</sup> از جمله معانی اثباتی هستند که در این رویکرد مورد توجه قرار می‌گیرند<sup>۹</sup> و در تفسیر مفهوم نیروانۀ به‌کار می‌آیند.

این رویکرد، نگاهی پسینی به موضوع دارد و رویکردی معطوف به نتیجه فرآیند نیروانۀ است. در این رویکرد خود سلب مهم تلقی نمی‌شود، بلکه نتیجه اثباتی آن مهم تلقی

1. Suzuki, D.T., pp.338-339.

2. śama

3. upaśama

4. sukham

5. Skt. prajñā / Pal. paññā

6. sambodhi

7. Skt. Jñāna/ Pal. jñāna

8. kṣamam

9. Stcherbatsky, Th., p.25.

می‌شود. اختلاف تفسیر افرادی که با این رویکرد به موضوع نیروانه می‌پردازند در متعلق نتیجه مورد انتظار است. آیا منظور اصلاحی اخلاقی است یا آرامش روان‌شناختی یا اشراق معرفت‌شناختی یا تبدل وجودشناختی مربوط به ساحت ماوراءالطبیعی یا همه این موارد. آنچه در این رویکرد فرض مسلم قرار می‌گیرد این است که نیروانه به نتیجه‌ای اثباتی منتهی می‌شود نه به عدم مطلق و پوچی.

در جزئیات معانی اثباتی پرسش مطرح شده این است که آیا نیروانه امری روان‌شناختی است یا امری وجودشناختی؟ آنچه مسلم است نیروانه پوچی و عدم محض نیست، زیرا هم دال بر نوعی حالت روان‌شناختی است که با تعبیر سلبی از جمله عدم عطش و عدم موانع بیان می‌شود و هم حالتی از وجود است که با تعبیر اثباتی مثل آرامش و فرزاندگی بیان می‌شود<sup>۱</sup> و هر کدام از طریقت‌ها تفسیر خاص خودشان را از این امر دارند. اگر نیروانه را یک فرآیند در نظر بگیریم که وجهی پیشینی دارد که سالک باید از آن بگذرد و آن را ترک کند و وجهی پسینی دارد که باید به آن برسد به نوعی این دو رویکرد را با هم تلفیق کرده‌ایم.

سومین رویکرد، رویکرد نمادین یا تمثیلی است. در رویکرد نمادین بدون این‌که به صراحت مشخص شود که آیا وجه اثباتی مورد نظر است یا وجه سلبی یا کل فرآیند، معنای مورد نظر را در قالب تمثیل و نماد بیان می‌کنند، مثل غار امن، جزیره‌ای در میان سیلاب‌ها، ساحل دیگر سوی، شهر مقدس، پناه‌گاه، سایه‌بان و گریزگاه.<sup>۲</sup>

ویژگی اساسی این رویکرد تأویل و تفسیرپذیری زیاد آن است. از این روی هم در بیان معنای نیروانه و هم در دریافت منظور متون مقدس بودایی امکان تأویل و تفسیر زیادی وجود دارد. از این رو معانی نمادین را متناسب با نوع تمثیل و نماد به معانی اثباتی یا سلبی یا متناقض‌نما می‌توان تفسیر و تأویل کرد. اشکال این رویکرد این است که گاهی میان منظور ارائه دهنده نماد و تمثیل با منظور تفسیر و تأویل کننده آن وحدت نظر وجود ندارد. چهارمین رویکرد رویکرد متناقض‌نما است. در این رویکرد نیروانه به مثابه امری متناقض‌نما مطرح می‌شود که نه سلبی معنا می‌شود و نه اثباتی، بلکه جمع هر دو است.

1. Stcherbatsky, Th., p.26.

2. Ibid.

ساکن شدن در حالت بی‌سکونی و رسیدن به هدفی که معلوم کند هدفی وجود ندارد و رسیدن به واقعیتی که تہی<sup>۱</sup> می‌باشد، نمونه‌هایی از بیان متناقض‌نمای نیروانہ است.<sup>۲</sup> از زبان بودا آمدہ است: «ای مگھہراجا<sup>۳</sup> بنگر و اندیشہ کن کہ جهان چگونہ تہی است. بگذار شخصی باور بہ نفس را بزدايد و بہ قلمرو وراي مرگ گذر کند. سلطان مرگ ہرگز آن کسی را کہ چنین بہ جهان می‌نگرد پیدا نمی‌کند».<sup>۴</sup>

رویکرد متناقض‌نما بر پایہ نظریہ‌های وجودی و معرفت‌شناختی‌ای شکل می‌گیرند کہ اعداد را قابل جمع می‌دانند، مثل نظریہ‌های وحدت وجود ہندی و اسلامی یا تہی‌بودگی (شونیتہ تا)<sup>۵</sup> بودایی. در چنین رویکردی یا کل فرآیند و ہمی تلقی می‌شود کہ در آن صورت ہم وجہ سلبی پیشینی آن توہم سلب چیزی است و ہم وجہ اثباتی پسینی آن توہم اثبات امری تلقی می‌شود. در واقع از نظر و ہمی بودن ہر دو وجہ سلبی و اثباتی یکسانند. یا این کہ کل فرآیند جلوه‌های متکثر حقیقتی واحد تلقی می‌شوند کہ در صورت ادراک حقیقت آن چنان کہ ہست تکثری متصور نمی‌شود و اعداد عین ہم تلقی می‌شوند.

#### تفسیر ہیئہ یانہ

از نظر ہیئہ یانہ غایت سلوک در نجات فردی از طریق نیروانہ است. از آنجایی کہ این طریقت بہ متون اولیہ وفادارترند تفسیرهای آنها از نیروانہ بہ معانی طرح شدہ در کانون پالی نزدیک‌تر است. در ہیئہ یانہ معانی تناقض‌آمیز چندان مطرح نیست ولی ہر دو دستہ معانی سلبی و اثباتی مورد توجہ است.

#### رویکرد سلبی

برخی معتقدند هدف ہیئہ یانہ رسیدن بہ نیروانہ در معنای توقف آگاہی است، زیرا آگاہی منشأ احساس است و انسان را در بند می‌کند. دربارہ بعد از نیروانہ در ہیئہ یانہ تأمل زیادی

- 
1. śūnya
  2. Stcherbatsky, Th., p.25.
  3. Mogharājā
  4. Suzuki, D.T., p.339.
  5. Skt. śūnyatā, Pal. suññatā

نشده است که بعد از نیروانه چه باقی می‌ماند.<sup>۱</sup> اما چنان که در ادامه می‌آید هیئتیانه معانی مختلفی از نیروانه را در نظر دارد.

در هیئتیانه نیروانه، در معنای سلبی هم به معنای سرد و سرد کردن و هم به معنای فنا و نابودی و سوزاندن است، مثل نیروانه شمع. نیروانه در معنای سرد کردن به تقلیل رنج مردم و خاموش کردن آتش آرزوهای افراد اطلاق می‌شود. نیروانه در معنای سوزاندن به امحاء تعلقات و شعله‌های آتش احساسات سالک اطلاق می‌شود.<sup>۲</sup> در سَمیوتَه‌نیکایه آمده است که نیروانه عبارت است از خاموشی آتش سوزان سه گناه کبیره شهوت، نیت پلید و جهل دل.<sup>۳</sup>

### اثباتی

هیئتیانه در رویکرد اثباتی به نتایج نیروانه در حوزه‌های اخلاقی، روان‌شناختی و وجودشناختی نظر دارد. در حوزه روان‌شناختی نیروانه حالت روانی آرامش و سرور بلکه بالاترین سرور و شادمانی می‌باشد.<sup>۴</sup> در واقع این حالت روانی نتیجه فرآیند نیروانه محسوب می‌شود. با این رویکرد معنای سلبی تقلیل و نابودسازی رنج و خاموش کردن آتش آرزوهای افراد نیز که به صلح و آرامش و آسایش و نعمت منتهی می‌شود قابل تأویل به نتیجه اثباتی است.<sup>۵</sup>

در حوزه وجودشناختی در هیئتیانه کوشیده‌اند متقاعد کنند که نتیجه نهایی فرآیند نیروانه نیستی و عدم مطلق نیست بلکه سنخی از وجود غیر مادی است. در ویسوده‌می‌مگه<sup>۶</sup> آمده است بودا در پرسش و پاسخ‌های مختلف نشان می‌دهد که اولاً نیروانه امری افسانه‌ای

1. Radhakrishnan, Sarvepalli, vol.1, pp.586-587.

2. Possin, L. De La Vallee, p.113.

3. *Samyuttanikāya*, chap 4, verse 25, in Rhys Davids T. W. and William Stede, vol.4, p.198.

4. *The Dhammapada, a Collection of Verses Being One of the Canonical Books of the Buddhists*, Tr. F. Max Muller, in *The Sacred Books of the East*, Volume X part I, ed. F. Max Muller, Oxford, Clarendon Press, 1881, verse 204; Rhys Davids, C.A., *Buddhism, a Study of Buddhist Norm*, London, Williams and Norgate, 1912, p.177.

5. Possin, L. De La Vallee, p.113.

6. *Visuddhimagga*



و عدم مطلق نیست؛ ثانیاً نیروانۀ نابودسازی محض هم نیست و باز عدم نیست. ثالثاً نیروانۀ وجود دارد و اتفاقاً تنها امر ازلی و ابدی است.<sup>۱</sup>

از زبان بودا به نقل از /یتی ووتکه<sup>۲</sup> و /ودنه<sup>۳</sup> آمده است که نیروانۀ در خصوص حقیقت شخص به معنای عدم مطلق نیست؛ زیرا گفته است: «ای راهبان، یک [حقیقت] تولد نیافته، به وجود نیامده، ساخته نشده و صورت نیافته وجود دارد».<sup>۴</sup>

بوداگهوشه می گوید: «نمی توان گفت نیروانۀ وجود ندارد. چرا نه؟ زیرا نتیجۀ آن چنین می شود که طریقت بیهوده است». او نشان می دهد که نیروانۀ امری ادراک ناشدنی مثل شاخ خرگوش نیست. زیرا اشخاص شریف با طی طریق اخلاق، مراقبه و معرفت می توانند آن را درک کنند.<sup>۵</sup>

طبق رویکرد اثباتی نیروانۀ جوهری اثباتی و نوعی هستی<sup>۶</sup> است اما هستی نامتعیین<sup>۷</sup> است. در هیئۀ یانۀ اعتقاد بر این است که دو دسته دهمه<sup>۸</sup> سرمدی واقعیت دارند: جوهرهای آلوده و متعین<sup>۹</sup> و حقیقت نآلوده<sup>۱۰</sup> و نامتعیین<sup>۱۱</sup>. برای رسیدن به نیروانۀ فقدان یا نابودسازی پنج انباشته<sup>۱۲</sup> حال، آینده و گذشته و جوهرهای متعین لازم است ولی صرف فقدان آنها نیروانۀ نیست تا نیروانۀ را عدم وجود بینداریم. نیروانۀ تغییر و تبدل حقیقی جوهرهای آلوده و متعین به حقیقت نآلوده و نامتعیین است.<sup>۱۳</sup>

نتیجۀ این تبدل و تغییر وجودی از حیث دینی و نجات شناختی تعبیرهای اثباتی خاصی را در پی دارد. این آموزه از جهت نجات شناختی به نجات و بقاء فرد در زندگی بعد

1. Buddhaghosa, *Bhadantacariya, Visuddhimagga, the Path of Purification*, tr. Bhikkhu Nanamoli, Sri Lanka, Buddhist Publication Society, 2010, chap.16, verses 67-74.

2. *Itivuttaka*, verse 37.

3. *Udana*, verse 80.

4. Buddhaghosa, p.523.

5. *Ibid*, p.521.

6. bhāva

7. asamskrta

8. Skt. dharmas, Pal. dhammas

9. Skt. samskrta dharmas

10. Skt. akleśa; P akilesa

11. asamskrta dharmas

12. Skt. skandhas, Pal. khandhas

13. Buddhaghosa, pp.520-521, chap.16, verse 67; Stcherbatsky, Theodore, pp.28-30.

از مرگ و نجات از بازپیدایی و رسیدن به سعادت و آرامش<sup>۱</sup> و سرمدی بودن<sup>۲</sup> قائل است. در این معنا نیروانه مقابل بازپیدایی (سنساره) است.<sup>۳</sup> در متون پالی از حیث دینی نیروانه به معنای تقدس، علو مقام یا مقام قدیس در زمان زندگی و یا حالت قدیس بعد از مرگ به کار رفته است. از میان این معانی تقدس و علو مقام در زمان زندگی رایج ترند.<sup>۴</sup> از آنجایی که این معانی در رویکرد اثباتی هیئته یانه مورد توجه قرار گرفته است وصول شخصی و فردی به این مقام قدسی که تحت آموزه ارهت<sup>۵</sup> مطرح است غایت سلوک در هیئته یانه مورد قبول واقع شده است و طریق سلوکی متناسب با آن همان طریق ارهت شدگی است که در آن سالک با معرفت یابی به چهار حقیقت شریف مربوط رنج حیات، انجام دستورات و تکمیل راه های هشت بخشی شریف (آریاشتنگیکه مارگه)<sup>۶</sup> منازل چهارگانه فرایند تدریجی نیروانه را تا غایت رسیدن به جایگاه انسان قدسی و کامل یا همان ارهت ادامه می دهد.

### تفسیر مهاییانه

نیروانه از اهداف غایی سلوک طریقت بدهیستوه<sup>۷</sup> در مهاییانه است. نیروانه در مهاییانه معانی

1. sukhs

2. nitya

3. Stcherbatsky, Th., pp.28-30.

4. Possin, L. De La Vallee, pp.114-115.

5. Skt. arhat, Pal. arahant

۶. اصطلاح «راه هشت بخشی شریف»-Skt.āryāṣṭāṅgika (Pal. ariyo aṭṭhaṅgiko maggo)

mārga; En. the noble eightfold path) در زبان فارسی به راه (راه ها یا طریق) هشت گانه شریف هم

ترجمه شده است ولی از آنجایی که پسوند «گانه» رابطه طولی اجزاء و طریق سلوکی مستقل بودن و منزل

بودن هر کدام از قسمت های این راه شریف را تداعی می کرد برای اجتناب از این تداعی نادرست از واژه

«بخش» استفاده کردیم که از آن صرفاً رابطه عرضی در نسبت میان هشت بخش این راه برداشت می شود. واژه

پالی سما و واژه سنسکریت سمینک (Pal. sammā, Skt. Samyañc) که در ابتدای هر بخش آمده و به

فارسی «درست» ترجمه شده در واقع به معنای هم بسته، مکمل یا متمم (completion, togetherness,

and coherence) است و در معنای درست، کامل و ماهرانه (perfect, ideal, wholesome, wise

and skillful) هم به کار می رود. (Chinese Buddhist "the Noble Eightfold Path",

Encyclopedia) این امر نشان دهنده عرضی بودن رابطه بخش های مختلف این راه است.

۷. بدهیستوه bodhisattva به سالکی اطلاق می شود که در پی اشراق کامل است یا به اشراق کامل رسیده و

و هدفش نجات همگانی است و این طریق سلوکی را طریق بدهیستوه گویند.

بسیار جامع و پیچیده‌تری دارد که احیاناً موجب کج‌فهمی می‌شود. البته هیئۀ یانۀ با این معانی ناآشنا نیست ولی در متون آنها کم‌رنگ بیان شده است.<sup>۱</sup> در طریقت مهاییانۀ در هر چهار معنای سلبی، اثباتی، نمادین و متناقض‌نما از نیروانۀ تفسیرهای خاص و تا حدی متفاوت از هیئۀ یانۀ ارائه شده است.

### رویکرد سلبی

مفسران مهاییانۀ نیروانۀ را در معنای سلبی امری پیش‌بینی‌ناپذیر و دست‌نیافتنی گفته‌اند. آنها می‌گویند «نیروانۀ نه رها می‌شود و نه به دست می‌آید... نه زوال می‌یابد و نه ایجاد می‌شود».<sup>۲</sup> در این طریقت نیروانۀ به معنای پوچی شخص یا جهان و پایان بخشیدن به زندگی نیست که در انتهای زندگی به دست آید. منظور از آن خاموش‌سازی خواسته‌های انسانی نمی‌باشد که با ترک کامل آرزوها و اعمال انسانی در عدم هشیاری حاصل شود.<sup>۳</sup> آخرین سخنان بودا، قبل از نیروانۀ نهایی یا مرگ، حاکی از آن است که او به نیروانۀ پوچ‌گرایانه معتقد نبوده است. او خطاب به پیروانش می‌گوید: «اینک ای برادران بدانید که من با این گفتار شما را نصیحت می‌کنم. زوال در همهٔ اشیاء ذاتی است، با جدیت برای نجات خود بکوشید».<sup>۴</sup>

پیروان مهاییانۀ برای نیروانۀ از جهت وجودشناختی معنایی سلبی قائل نشده‌اند، زیرا نیروانۀ را امری وجودی می‌دانند نه عدم وجود؛ از جهت معرفت‌شناختی نیروانۀ را عبارت می‌دانند از کنار زدن حجاب نادانی؛ از جهت نجات‌شناختی آن را رهایی فردی و جمعی از گردونۀ بازپیدایی می‌دانند، از نظر اخلاقی نوعی نابودی گناه و شهوات و نفسانیات تلقی می‌کنند و از نظر دینی هم عبارت می‌دانند از کنار زدن ارادهٔ استقلال. هر کدام از این معانی وجه اثباتی در پی دارند که بدان می‌پردازیم.

1. Suzuki, D.T., p.342.

2. Stcherbatsky, Th., p.28.

3. Suzuki, D.T., p.340.

4. cf. *Maha-Parinibbana-Sutta*, tr. T. W. Rhys Davids in *Sacred Books of East*, Vol. XI, ed. F. Max Muller, Oxford, Clarendon Press, 1881.

### اثباتی

در برداشت اثباتی، نیروانہ بہ معنای بہ کمال رساندن حیات انسانی است. طبق نظر پیروان مہایانہ کسانی کہ معنای اثباتی نیروانہ را بسط داده‌اند با روح تعالیم بودا سنخیت بیشتری دارند تا کسانی کہ بہ وجہ سلبی نیروانہ تأکید دارند. نیروانہ ثابت‌بخش و کمال‌بخش بہ زندگی است و سالک این کار را با اشراق کامل انجام می‌دهد.<sup>۱</sup> این نگاہ مہایانہ برگرفته از تعالیم خود بوداست. بودا در آخرین سفارش خود بہ طور مبسوطی فعالیت‌های مثبت اجتماعی، فردی و گروہی را بہ پیروانش سفارش می‌کرد کہ ہمہ حاکی از مثبت بودن نگاہ او بہ زندگی و نیروانہ است.<sup>۲</sup> آشوہ گہوشہ ہم نشان داده است کہ بودا چقدر بہ زندگی جاوید و فعالیت‌های مثبت در ہمین زندگی در آخرین لحظات تأکید داشته است.<sup>۳</sup>

سالک طریق بڈھیسٹوہ بر خلاف تصور برخی از مفسران متون سنسکریٹ خود را در بہشت جای نمی‌دهد تا دیگر برای آرزوی رسیدن بہ نیروانہ و پری‌نیروانہ<sup>۴</sup> نیازی نداشته باشد<sup>۵</sup> بلکہ سالک ہیچ‌گونہ آرزویی خواہ زمینی یا آسمانی تمنا نمی‌کند و ہمہ شایستگی‌هایش را ہم کہ طبق قانون کرمہ جمع نموده بہ دیگران عطا می‌کند و بہ منظور کمک بہ نجات دیگران از مرحلہ پری‌نیروانہ باز می‌گردد.<sup>۶</sup>

بودا در معرفی چنین سالکی می‌گوید: «کوشش او قہرمانانہ، قدرتش با شکوہ و رحمتش فراگیر است تا جایی کہ او بہ عالی‌ترین فرزاندگی نائل می‌آید. او ہرگز از جایش

1. Suzuki, D.T., pp.40-41.

2. cf. *Mahāparinibbāna-Suttanta*, chap. 1, verses 5-8.

3. cf. Aśvaghōṣa, *The Fo-Sho-Hing-Tsang-King, The Life of Buddha Chin*. Trans Dharmaraksha 420 AD. En. tr. Samuel Beal in *Sacred Books of East*, Vol. XIX, ed. F. Max Muller, Oxford: Clarendon Press, 1883, p.306-307; Aśvaghōṣa, *The Buddha-Karita*, tr. E. B. Cowell, in *Sacred Books of East*, Vol. XLIX, Part I, ed. F. Max Muller, Oxford, Clarendon Press, 1894.

۴. پری‌نیروانہ (Skt. parinirvāṇa, Pal. parinibbāna) در تفسیر مہایانہ همان ساحت ابدیت و سرور است.

Williams, P., *Mahāyāna Buddhism: The Doctrinal Foundations*, London, Taylor & Francis, 1989, p.100.

5. cf. Monier Williams, Sir Monier, *Buddhism: in Its Conexion with Brahmanism and Hinduism and in Its Contrast with Christianity*, London: John murray, 1980.

6. Suzuki, D.T., p.18.

برنمی‌خیزد مگر مثل آفتابی که بدون محو تاریکی برنمی‌خیزد. .... او کسی است که وقتی مشاهده می‌کند عالمیان در سیل عظیم وجود غرق شده‌اند و نمی‌توانند به ساحل دیگر سو برسند می‌کوشد آنها را به سلامت عبور دهد.<sup>۱</sup>

گاهی صفاتی به نیروانۀ نسبت می‌دهند مثل سرمدی بودن، شخص عامل در نفس خود،<sup>۲</sup> سرور<sup>۳</sup> و منزّه<sup>۴</sup> که به نیروانۀ در معنای دهرمه‌کایه<sup>۵</sup> مربوط می‌شود. سرمدیت او به این معناست که مادی و فناپذیر نیست، مسرور است، زیرا ورای رنج‌هاست. عامل در نفس خود یا مختار است، زیرا اجباری بر او نیست. منزّه است، زیرا آلوده به خطا و نفسانیات نیست.<sup>۶</sup>

بر اساس تعابیر مختلفی که در مَهایانۀ از نیروانۀ در معنای اثباتی صورت گرفته تقسیمات مختلفی هم شکل گرفته است. هر کدام از این طیف تعاریف ویژگی‌های خاصی از نیروانۀ را مشخص می‌کنند. دسته اول تعابیر، نیروانۀ را در معنای وجودشناختی و ماوراءالطبیعی معادل حقیقت<sup>۷</sup> یا تعبیر دینی آن یعنی دهرمه‌کایه در نظر می‌گیرند.<sup>۸</sup> این تلقی تلقی از نیروانۀ تحت عنوان نیروانۀ عام در ادامه بررسی می‌شود. دسته دوم تعابیر که معمولاً از «به نیروانۀ رفتن» بودا اقتباس می‌شود نیروانۀ را به معنای پایان حیات زیستی و مادی و معادل مرگ می‌گیرند. در تعبیر معرفت‌شناختی نیروانۀ کنار زدن ابر نادانی و منور شدن به نور معرفت اشراقی است؛<sup>۹</sup> در بیان روان‌شناختی نیروانۀ رهایی از ناآرامی و رنج دائمی و رسیدن به آرامش مطلق است و در معنای نجات‌شناختی نیروانۀ در مقابل بازپیدایی (سَنساره) و معادل حیات جاوید است.<sup>۱۰</sup> البته مکتب ماده‌میگه نیروانۀ و بازپیدایی را یکی می‌دانند،<sup>۱۱</sup> که در رویکرد متناقض‌نما بررسی می‌گردد. در تعبیر اخلاقی نیروانۀ در مقابل

- 
1. Aśvaghōṣa 1894, p.335.
  2. atman
  3. sukha
  4. shushi
  5. Dharmakāya
  6. Suzuki, D.T., pp.347-348.
  7. tattva/ 'thatness' 'principle' 'reality' or 'truth'
  8. Suzuki, D.T., p.342.
  9. Ibid, p.365.
  10. Ibid, p.342.
  11. Stcherbatsky, Th., p.29.

گناه و احساسات و نفسانیات قرار می‌گیرد که با برانگیختن محبت و شفقت<sup>۱</sup> و آگاهی از حضور دهرمه‌کایه در وجود فردی معادل است<sup>۳</sup> و در بیان دینی نیروانه تسلیم‌شدن کامل خود به اراده دهرمه‌کایه در تمام شئون زندگی است.<sup>۴</sup>

### نمادین

در متون مهاییانه معانی نمادین و تمثیلی مختلفی از نیروانه آمده است که یک نمونه آن ذکر می‌شود. در تمثیلی آموزنده چگونگی نیروانه چنین ذکر شده است: اتاق تاریکی را تصور کنید که در آن هیچ چیز مشخص نیست و چیزهای ترسناکی هم در آن متصور است. حال اگر چراغی به آن اتاق برده شود همه جای آن روشن می‌شود و هر چیزی را در جای درستش شناخته می‌شود و معلوم می‌شود آنچه خطرناک تصور می‌شد اشیائی هستند که می‌توان از آنها در مصارف مختلف به سود دیگران استفاده کرد. مثال نیروانه نیز چنین است. در این تمثیل اتاق دل انسانی است. تاریکی جهل انسان است و وسایل داخل آن آرزوها، امیدها، نفرت‌ها و احساسات درون انسان‌اند. چراغ نماد محبت و فرزاندگی است. محبت گرمای چراغ زندگی است و فرزاندگی نور روشن‌بخشی زندگی است و احساسات و آرزوهای گناه آلود در پرتو روشنایی و حرارت فرزاندگی و محبت متبدل می‌شوند و به آرزوهای متعالی تبدیل می‌شوند. نیروانه امری بیرونی نیست بلکه روشن‌شدگی دل است. آنگاه «همه گناهان با تحقق اشراق متبدل می‌شوند و چرخه بازپیدایی به سعادت جاودانی نیروانه بدل می‌شود».<sup>۵</sup>

### متناقض نما

در مکتب مادهیه‌میکه معانی متناقض‌نمایی از نیروانه ذکر شده است. در نگاه ناگارجونه متفکر اصلی این مکتب «نیروانه نه هستی است و نه نیستی بلکه ورای نسبت هستی و

1. karunā

2. Suzuki, D.T., p.365.

3. Ibid, p.342.

4. Ibid, p.365.

5. Vasubandu, *The Discourse on Buddha*, The Japanese Tripitaka, 1881, vol.2, p.84.

نیستی است.<sup>۱</sup> در نظر آن مکتب نیروانۀ و بازپیدایی (سنسارۀ) تفاوتی ندارند. بازپیدایی و وجود پدیداری هیچ تفاوتی با نیروانۀ ندارد و هر آنچه حدّ بازپیدایی است حدّ نیروانۀ هم هست. امر مطلق و عالم تجربه، امر مینوی و امر پدیداری، نیروانۀ و بازپیدایی دو دسته واقعیت‌های مقابل هم نیستند بلکه، در نگاه جامع، یکی هستند در نتیجه نیروانۀ و امر مطلق همان بازپیدایی و بازپیدایی همان نیروانۀ است.<sup>۲</sup> در جمع این دو مفهوم به صورتی تمثیلی گفته‌اند: «نیروانۀ زندگی کردن در گرداب بازپیدایی در عین حال بودن در ورای آن است».<sup>۳</sup> ناگارجونۀ در بیانی متناقض‌نما می‌گوید: «نیروانۀ به چیزی می‌گویند که "خواسته" نیست، "به‌دست آمده" نیست، "منظم" نیست، "بی‌نظم" نیست، محکوم به فنا نیست و مخلوق نیست».<sup>۴</sup> این بیان نشان می‌دهد که او نیروانۀ را معادل دهرمه‌کایه گرفته است.

چنین تعبیری را درباره‌ی تهی‌بودگی آورده‌اند که «نه پوچی است نه غیرپوچی، این چنین همه‌چیز توصیف می‌شود، راه میانه همین است، زیرا "وجود" است در عین حال که "لا وجود" است و باز "وجود" است».<sup>۵</sup> نیروانۀ را نیز بر مبنای همین آموزۀ تهی‌بودگی متناقض‌نما تفسیر کرده‌اند و گفته‌اند: نیروانۀ «چیزی است که ویژگی آن نداشتن هرگونه ویژگی است».<sup>۶</sup> تبیین همه‌چیز بر مبنای اصل تهی‌بودگی و وهمی بودن همه‌چیز و در نتیجه معانی متناقض‌نما از نیروانۀ و بازپیدایی چنین تبیین می‌شود که سالک در مقام شهود وهمی بودن همه‌چیز در می‌یابد که نیروانۀ و بازپیدایی وجوه وهمی هستند و از این حیث هر دو یکی می‌باشند.

اگر از منظر دهرمه‌کایه نگاه شود بازپیدایی و نیروانۀ یکی بیش نیستند. به قول ناگارجونۀ «به هیچ وجه بازپیدایی از نیروانۀ قابل تمییز نیست، و به هیچ وجه نیروانۀ از بازپیدایی قابل تمییز نیست» و «ساحت نیروانۀ همان ساحت بازپیدایی است و کوچک‌ترین تمایزی بین آنها نیست».<sup>۷</sup> با در نظر گرفتن اصل دهرمه‌کایه این متناقض‌نما بودن ظاهری

1. Stcherbatsky, Th., p.28.

2. Ibid, pp.29-30.

3. Suzuki, D.T., p.341.

4. *Madyamika Shastra*, in Suzuki, Daisetz Teytaro, p.347.

5. Kochumuttom, Tomas A., *A Buddhist Doctrine of Experience, a New translation and Interpretation of the works of Vasubandu the Yogacarin*, Delhi, Motilal Banarsidass Publishers, 1989, p.235.

6. Suzuki, D.T., pp.347-348.

7. Ibid, p.352.

چنین تبیین می شود که از آن جایی که یک حقیقت مطلق بیش وجود ندارد و تمام تکررات جلوه های آن حقیقت مطلقاند و در منظر آن حقیقت همه تکررات تجلیات مختلف آن حقیقت واحدند و در حقیقت یکی بیش نیستند یعنی هم به لحاظ وجودشناختی با در نظر گرفتن وجود حقیقت مطلق و هم به لحاظ معرفت شناختی در مقام معرفت کامل اشراقی تمام وجودهای متکثر پدیداری و نیروانه یکی بیش نیستند.

### مراتب نیروانه

ویجناناماتره شاستره<sup>۱</sup> چهار مرتبه از نیروانه را مشخص کرده است: نیروانه عام، نیروانه با اندکی ناخالصی،<sup>۲</sup> نیروانه بدون ناخالصی<sup>۳</sup> و نیروانه بی مکان. همه موجودات به نیروانه اول می توانند نائل شوند و بالقوه آن را دارند، نیوشندگان،<sup>۴</sup> اشراق یافتگان تکرره<sup>۵</sup> و ارهت ها علاوه بر مرتبه اول نیروانه به مرتبه دوم و سوم نیز می توانند وارد شوند. به مرتبه چهارم نیروانه فقط بودایان و بدهیستوگان می توانند وارد شوند.<sup>۶</sup>

### نیروانه عام

نیروانه عام معادل دهرمه کایه است. در این تلقی نیروانه خود امر مطلق است که همواره تغییرناپذیر و یکسان بوده و خواهد بود و آنچه تغییر می کند باطن خود اشخاص است. نیروانه در معنای عام تغییری در نظام آفاقی نیست بلکه صرفاً تغییری انفسی است یعنی قرار نیست سالک جهان را تغییر دهد بلکه خودش را باید تغییر دهد. اگر آلودگی ها و تعینات واقعی بودند هیچ قدرتی نمی توانست آنها را تغییر دهد. آن تغییر، تغییری ماوراءطبیعی نیست بلکه تغییری روان شناختی است.<sup>۷</sup>

1. *Vijñānamātra Śāstra*
2. Skt. Apratishtha/Upadhishesa Nirvana
3. auupadhishesa
4. Skt. śrāvaka, Pal. sāvaka
5. Skt. Pratyekabuddha, Pal. paccekabuddha
6. Suzuki, D.T., p.344.
7. Stcherbatsky, Th., pp.29-30.



نیروانۀ در معنای عام در ذات خود پاک و بی‌عیب است و حقیقت و واقعیت همۀ موجودات را تشکیل می‌دهد، گرچه آن حقیقتِ مطلق خود را در جهان ناپاکی و نسیبت متجلی می‌سازد و سریان می‌دهد. آن حقیقت برای همیشه پاک و بی‌آلایش باقی می‌ماند. با این‌که فضیلت‌های متعین بی‌شماری دارد، حقیقت آن مطلقاً سرمدی است. آرامش آن به آرامش فضا می‌ماند که در آن هر حرکتی قابل تصور است اما خودش بی‌حرکت است، در همۀ موجودات به‌طور فراگیر حاضر است و وجود آنها را تحقق می‌بخشد از این‌رو با آنها یکی تلقی می‌شود اما از جهتی دیگر متعالی است و هیچ موجودی آن چنان که هست نیروانۀ نیست. این معنای روحانی ورای فهم بشر عادی است و تنها کسانی آن را می‌فهمند که به عالی‌ترین فرزائگی بودا برسند.<sup>۱</sup>

نیروانۀ در معنای دهرمه‌کایه امری خارج از این جهان در حال صیوروت و آلوده به گناه و نفسانیات نیست. پس طالب نیروانۀ لازم نیست خود را از جهان منقطع سازد و در جهانی دیگر در پی نیروانۀ باشد. او باید نیروانۀ را در همین زندگی پر از رنج و شادی و عشق و نفرت بجوید. او نیروانۀ را نباید در آسمان‌ها یا بعد از جدایی از حیات زمینی یا بعد از محو شدن احساسات و آرزوهای انسانی بجوید بلکه باید آن را در همین زندگی دنیوی جست‌وجو کند؛ چرا که همین زندگی دنیوی با همۀ رنج و شادی‌اش چیزی جز نیروانۀ نیست. اگر سالک زندگی را ترک کند و در عزلت در پی نیروانۀ باشد برای همیشه نیروانۀ را گم خواهد کرد. اگر بخواهد امید و آرزوها، لذت‌ها و غصه‌ها و هر آنچه این زندگی را می‌سازد دفن نماید در واقع نیروانۀ را دفن نموده است. هرچه سالک در زهدگرایی، مراقبه، آیین‌گرایی یا حتی مابعدالطبیعه بیشتر به دنبال نیروانۀ بگردد بیشتر از آن دور می‌شود. به اعتقاد سوزوکی یکی از بزرگترین خطاهای متفکران دینی این بوده که نیروانۀ را که رضایت‌مندی کامل احساس دینی است، امری تصور می‌کنند که با کنار نهادن آرزوها، احساسات، امیدها، رنج‌ها و شادی‌ها می‌توان آن را به دست آورد.<sup>۲</sup> این مرتبه از نیروانۀ بالقوه برای همۀ انسان‌ها و موجودات ذی‌شعور قابل دست‌یابی است.

1. Suzuki, D.T., p.343.

2. Ibid, pp.353-355.

### نیروانۀ با اندکی ناخالصی

مرتبہ نیروانہ با اندکی ناخالصی حالتی از اشراق است کہ سالکان بودایی در طول زندگی شان می توانند بدان نائل شوند. سالکان موانع عاطفی<sup>۱</sup> یا روان شناختی را رفع می کنند تا دہرمہ کایہ ای کہ در وجودشان بودہ بر روی آنان گشودہ شود. با این حال باز سالکان تحت سیطرہ بازپیدایی اند، لذا از عذاب زندگی کاملاً رهایی نمی یابند. هنوز چیزی در وجودشان باقی می ماند کہ آنها را دچار غم و اندوہ می کند.<sup>۲</sup>

### نیروانۀ بدون ناخالصی

سالکان زمانی بہ مرتبہ نیروانہ بدون ناخالصی می رسند کہ ہم حجاب رنج تولد و مرگ و ہم مانع رنج گناہ و نفسانیات را از حقیقت بودا<sup>۳</sup> یا همان دہرمہ کایہ کنار بزنند. در این مرتبہ از نیروانہ، سالکان با این کہ در طی زندگی شان از نفسانیات روح رهایی یافته اند، بہ طریق ہشت بخشی شریف عمل می کنند، و ہمہ گرمہ ہا را کہ موجب تناسخ و بازپیدایی شان می گردد از بین می برند. آنها بہ سبب تأثیر گرمہ بی زندگی های پیشین مجبورند رنج های ذاتی وجود مادی را تحمل کنند ولی در نہایت چرخہ بازپیدایی را از بین می برند و بہ اصل مطلق بر می گردند کہ بہ دلیل نادانی از آن پیدا شدہ اند و بہ همان دلیل در چرخہ بازپیدایی افتادہ اند. بہ این حالت مبارک متعالی امر مطلق نیروانہ بدون ناخالصی گویند.<sup>۴</sup>

### نیروانہ بی مکان

در مرتبہ نیروانہ بی مکان کہ مخصوص بودایان است، حقیقت بودا نہ تنها از عذاب احساسات و گناہ رهایی می یابد بلکہ از موانع و حجاب های فکری نیز رهایی می یابد. در این مرتبہ نیروانہ حقیقت بودا یا دہرمہ کایہ، از ہر نوع مانع عاطفی یا فکری کہ موجب در حجاب ماندن سالک از آن می شود، خالص و بی مانع آشکار می گردد. شفقت (کرونا)،<sup>۵</sup>

۱. دو نوع مانع رهایی وجود دارد: ۱. موانع عاطفی و روان شناختی ۲. موانع فکری و معرفت شناختی

2. Ibid, p.344.

3. tathata / essence

4. Suzuki, D.T., pp.344-345.

5. Skt. & Pal. karuṇā; En. compassion

محبت فراگیر (در سنسکریت «میتری» و در پالی «متتا»)<sup>۱</sup> و فرزاندگی کامل راه را برای سالک روشن می‌سازد. کسی که به چنین حالت انفسی اشراقی نایل آید هیچ مسکن و مکانی ندارد یعنی او دیگر محکوم به تناسخ و بازپیدایی نیست. او حتی دیگر به نیروانۀ هم به مثابه جایگاه آرامش کامل وابسته نیست. هدف نهایی او در زندگی خیر رساندن به همه موجودات ذی‌شعور تا پایان زمان است. او این کار را با کوشش انسانی یا معرفت تحلیلی آگاهانۀ انسانی خود انجام نمی‌دهد بلکه او می‌خواهد با محبت فراگیر ناشی از دهرمه‌کایه همه هم‌نوعانش را از بدبختی نجات دهد. او در پی آن نیست که خودش را از رنج‌های زندگی رهایی بخشد. او از فانی و گذرا بودن تعلقات دنیوی کاملاً آگاه است؛ در عین حال از آنها اجتناب نمی‌کند. او با فرزاندگی مطلقش بر حقیقت کامل همه اشیاء بصیرت می‌یابد. او از جمله دین‌ورزانی است که از این دنیا استفاده می‌کنند، در آن هستند ولی مالک چیزی نیستند، چون می‌دانند همه جلوه‌های این دنیا گذراست. زندگی چنین افرادی سرشار از فعالیت است، زیرا قلب و جان آنها وقف هدایت همگان به رهایی و نجات نهایی است. وقتی کسی به این حالت معنوی برسد گویند او به نیروانۀ بی‌مکان نایل شده است.<sup>۲</sup>

مرتبه نیروانۀ بی‌مکان در واقع تجلی و انکشاف علت وجود است که در زندگی انسان‌ها تا حدی با حجاب جهل و نفسانیت محجوب مانده است. چنین انکشافی نه در پیروی از دستورهای اخلاقی بودا قابل وصول است نه در اطاعت کورکورانه از طریق هشت‌بخشی و نه در مراقبه محض و خلوت‌گزیدن از دنیا، بلکه از طریق نیرو و فعالیت ناشی از محبت فراگیر دهرمه‌کایه حاصل می‌شود. آن‌کس که در چنین نیروانۀ بی‌مکانی است در پوچی آرزوهای انسانی آرامش نمی‌جوید و در مواجهه با تناسخ و چرخۀ بازپیدایی شانه خالی نمی‌کند؛ بلکه دل به دریای بازپیدایی می‌زند و برای نجات هم‌نوعانش از غرق شدن دائمی خودش را قربانی می‌کند.<sup>۳</sup>

چگونگی رسیدن به چنین اشراق و نیروانۀ ای در میان احساسات و خطاهای زندگی را از زبان بدهیستوه منجوشری<sup>۴</sup> چنین نقل کرده‌اند: «کسانی که به عدم فعالیت دل بسته‌اند و در حالت فنای دائمی ساکن شده‌اند معرفت کامل متعالی در وجودشان بر نمی‌خیزد. تنها

1. Skt. Maitrī Pal. Mettā; En. benevolence, friendliness, amity, kindness and love

2. Suzuki, D.T., pp.345-346.

3. Ibid, p.349.

4. Mañjuśrī

بدهیستوگانی که در بطن احساسات و خطاها جای می‌گیرند، ده منزل را سیر می‌کنند و در حقیقت اشیاء تأمل می‌کنند قادرند فرزاندگی را بیدار سازند و بدان نائل آیند. ... آن‌چنان که گل‌های نیلوفر در زمین خشک نمی‌روید بلکه بر روی باتلاق نمناک و تاریک رشد می‌کند، ... فرزاندگی نیز چنین است نه در عدم فعالیت و فنای ابدی که مورد توجه نپوشندگان و اشراق‌یافتگان تکرو است؛ زیرا در عدم فعالیت فرصتی برای رشد بذرها و جوانه‌های اشراق‌یافتگی وجود ندارد»<sup>۱</sup>.

### نتیجه

برای بررسی موضوع ابتدا به جمع‌بندی دیدگاه هر دو طریقت پرداخته سپس نکات اشتراک و آنگاه نکات اختلافشان را مورد ارزیابی قرار می‌دهیم. با توجه به مطالب ذکر شده معنای مورد نظر هیئنه یانّه از نیروآنه را می‌توان چنین خلاصه کرد:

۱. هر معنای سلبی پیشینی نیروآنه نتیجه‌ای اثباتی دارد که به عنوان معنای اثباتی پسینی نیروآنه شناخته می‌شود.
۲. نیروآنه از جهت وجودشناختی عبارت است از نابودی دهّمه‌های متعین و پنج انباشته و تبدل وجودی در تبدل شدن به هستی نامتعین.
۳. از جهت روان‌شناختی نیروآنه عبارت است از خاموشی درد و رنج و دستیابی به آرامش و سرور مطلق.
۴. از جهت نجات‌شناختی نیروآنه عبارت است از رهایی فردی از گردونه‌بازپیدایی و رسیدن به زندگی جاوید در امن و آرامش.
۵. در معنای اخلاقی نیروآنه عبارت است از رهایی از شهوات و اعمال نادرست و اكمال و اتمام راه هشت‌بخشی شریف.
۶. در معنای دینی نیروآنه عبارت است از رهایی از زندگی دنیایی و نامقدسی و رسیدن به مقام قدسی در این زندگی و در حیات جاوید.

---

1. Suzuki, D.T., pp.351-352.

۷. غایت نیروانۀ در همۀ معانی فوق در آرمان «ارہت شدگی»<sup>۱</sup> قابل جمع است کہ با سلوک در طریق ارہت شدگی و انجام دستورات و طی منازل تدریجی خاص قابل وصول است.
- تفسیر مهاییانۀ از نیروانۀ نیز با توجہ با رویکردهای تفسیری چهارگانہ و مراتب چهارگانہ نیروانۀ کہ شرح شان گذشت چنین قابل تلخیص است:
۱. نیروانۀ معنای سلبی مطلق وجودشناختی ندارد.
  ۲. در معنای وجودشناختی نیروانۀ معادل حقیقت مطلق یا دہرمہ کایہ است.
  ۳. از جہت معرفت شناختی نیروانۀ عبارت است از کنار زدن حجاب نادانی و غفلت و رسیدن بہ معرفت اشراقی کامل و رساندن دیگران بہ اشراق کامل.
  ۴. از نظر روان شناختی نیروانۀ عبارت است از رهایی از رنج و اضطراب و رساندن خود و دیگران بہ آرامش مطلق.
  ۵. از جہت نجات شناختی نیروانۀ عبارت است از رهایی از وجود پدیداری و چرخہ بازپیدایی و رسیدن بہ حیات جاوید فردی و رساندن همگان بہ حیات جاوید همگانی. البتہ در صورتی کہ سالک بہ تہی بودگی و حقیقت مطلق دہرمہ کایہ معرفت شہودی کامل پیدا کند دوگانگی بین این دو را ملاحظہ نمی کند.
  ۶. در معنای اخلاقی نیروانۀ عبارت است از سوزاندن آتش گناہ و شہوت و حضور عاشقانہ و آگاہانہ در محضر حقیقت مطلق.
  ۷. و بہ لحاظ دینی نیروانۀ عبارت است از تہی شدن از ارادہ خود و تسلیم شدن کامل بہ ارادہ دہرمہ کایہ.
  ۸. مفہوم نیروانۀ ذو مراتب است کہ در چہار مرتبہ دستہ بندی شدہ است و بالاترین مرتبہ آن نیروانۀ بی مکان است.
  ۹. مرتبہ اول یعنی نیروانۀ عام مرتبہ بالقوگی نیروانۀ است. در این مرتبہ نیروانہ بہ معنای حقیقت مطلق سریان یافته در تکثرات است.
  ۱۰. در مرتبہ دوم، یعنی نیروانۀ با اندکی ناخالصی سالک از موانع عاطفی و روان شناختی رهایی می یابد و بہ آرامش می رسد ولی موانع معرفت شناختی هنوز باقی می ماند و

سالک نہ بہ آگاہی و معرفت اشراقی کامل می‌رسد و نہ از گردونہ بازپیدایی رھایی می‌یابد.

۱۱. در مرتبہ سوم یعنی نیروانہ بدون ناخالصی سالک ہمہ موانع روان‌شناختی و معرفت‌شناختی را از میان بر می‌دارد و بہ اشراق کامل می‌رسد ولی بہ خاطر تأثیرات گرمہ‌ای بہ جای مانده از زندگی‌های پیشین ہنوز در چرخہ بازپیدایی می‌ماند و بالفعل از آن رھایی نمی‌یابد.

۱۲. در نیروانہ بی‌مکان سالک بالفعل بہ آرامش کامل، آگاہی و معرفت اشراقی کامل، و رھایی کامل از بازپیدایی می‌رسد.

۱۳. تمامی معانی و مراتب نیروانہ در آرمان «بُدھیسٹوہ» قابل جمع است کہ با سلوک تدریجی در طریق بُدھیسٹوہ قابل وصول است.

#### موارد اشتراک

دو طریقت چون از سرچشمہ واحدی برخوردار ہستند در مجموع درک مشترکی از اصل مفهوم دارند کہ مهم‌ترین موارد مشترک از این قرارند:

۱. نیروانہ مفهوم سلبی مطلق نیست.
۲. نیروانہ مبدأ و تغیر و زوالی ندارد و حقیقت آن توصیف‌ناپذیر است.
۳. در معنای سلبی نیروانہ رھایی از شہوات و گناہ در حوزہ اخلاقی، رھایی از عطش و درد و رنج در حوزہ روان‌شناختی، رھایی از نادانی و غفلت در حوزہ معرفت‌شناختی و رھایی از گردونہ بازپیدایی بہ لحاظ نجات‌شناختی مورد انتظار است.
۴. از جهت اثباتی رسیدن بہ پاکی از نظر اخلاقی، آرامش، امنیّت و سرور دائمی از نظر روان‌شناختی، اشراق‌یافتگی از نظر معرفت‌شناختی و زندگی جاوید از نظر نجات‌شناختی مورد انتظار است.
۵. در فرآیند گذر از وجہ سلبی بہ وجہ اثباتی نیروانہ تبدل وجودی اتفاق می‌افتد نہ نابودی و پوچی وجودی.
۶. نیروانہ غایت نہایی حیات دینی بودایی است.
۷. این آموزہ ذومراتب است و مقولہ‌ای فرآیندی است.

۸. رسیدن به این غایت نیازمند سلوک تدریجی است.

### موارد اختلاف

با برداشت از مطالب ذکر شده در تفسیرهای دو طریقت مذکور از مفهوم نیروانۀ موارد اختلاف آن دو را به قرار زیر می‌توان بیان داشت:

۱. از نظر وجود شناختی در هیئۀ‌یانه وجه اثباتی نیروانۀ در معنای وجود نامتعیین در نظر گرفته شده و در سطح فردی لحاظ شده است، اما در مه‌ایانۀ آن را معادل دهرمه‌کایه گرفته‌اند که حقیقت مطلق کلی است که از یک سو عالم را تجلی آن حقیقت گرفته‌اند و از سوی دیگر نیروانۀ را تحقق آن حقیقت مطلق کلی می‌دانند که همه کثرات را در بر می‌گیرد نه صرفاً شخص به خصوصی را.
۲. از نظر معرفت‌شناختی مه‌ایانۀ به شدت بر امر شناخت اشراقی و آگاهی از حقیقت همگانی یکسانی و بی‌تمیزی اشیاء تأکید دارد، اما هیئۀ‌یانه بر رفع نادانی مطرح به عنوان علت‌العلل تکوینی رنج تأکید دارد.
۳. از نظر روان‌شناختی در هیئۀ‌یانه رهایی از رنج فردی و حذف عطش حیات خیلی برجسته شده و آرامش مطلق فردی مورد انتظار است، اما در مه‌ایانۀ حذف امیال منفی و آرامش همگانی مورد انتظار است و بر درد و رنج فردی کمتر تأکید می‌شود.
۴. از جهت اخلاقی هیئۀ‌یانه بر حذف هرگونه آثار اعمال اعم از منفی و مثبت تأکید دارد، ولی در مه‌ایانۀ بر حذف گناه و رذایل و کسب فضایل و ظهور محبت و شفقت تأکید شده است.
۵. از جهت دینی در هیئۀ‌یانه بر قداست‌یابی و قدیس‌شدگی تأکید شده است، ولی در مه‌ایانۀ به تسلیم قلبی کامل در برابر ارادۀ حقیقت مطلق. به عبارت دیگر در هیئۀ‌یانه فرد تنها در برابر خودش مسئول است و هیچ امر متعالی دیگری فرض نشده است، اما در مه‌ایانۀ امر متعالی حقیقت مطلق بر تمامی شئون زندگی فرد سایه افکنده و همه معانی نیروانۀ را نیز تحت‌الشعاع خود قرار داده است.

۶. از جهت نجات‌شناختی در هیئتیانه نجات فردی مطلوب است و هر گونه کمک به نجات دیگران امری استحسانی است، اما در مهاییانه نجات همگانی و کمک به نجات همگان فرض اصلی در تحقق نیروانه است.

۷. از جهت الگوی آرمانی در مهاییانه الگوی فرد محورانه «ارهت» آرمان اصلی دانسته شده است و در مهاییانه الگوی مشفق و مهرورز «بدهی‌ستوه».

به نظر می‌رسد اولاً عمده موارد اختلافی دو طریقت مذکور در وجه اثباتی آموزه نیروانه است نه وجه سلبی؛ دوم این‌که معانی متناقض‌نما از نیروانه که عمدتاً در مهاییانه مطرح است ناشی از پذیرش آموزه تهی‌بودگی است؛ سوم این‌که وجه اثباتی مفهوم نیروانه در مهاییانه به طور قابل ملاحظه‌ای بسط یافته و علاوه بر معانی مورد نظر هیئتیانه معانی دیگری را در بر گرفته است؛ چهارم این‌که علت اصلی چنین بسط معنایی پذیرش مفهوم حقیقت مطلق، یا همان دهرمه‌کایه، در مهاییانه است و همین امر باعث شده است مفهوم مورد نظر مهاییانه از نیروانه قرابت بیشتری با مفاهیم متناظر آن مثل فنا و بقا در عرفان‌های خدامحور داشته باشد؛ و آخر این‌که از جهت کارکردگرایی ضرورت نجات‌بخشی همگانی و آرمان بدهی‌ستوه و طریق سلوکی متناسب آن در مهاییانه موجب شده است این طریقت نسبت به طریقت هیئتیانه طریقتی نوع‌دوستانه‌تر به نظر آید.

### منابع

- Aśvaghōṣa, *The Buddha-Karita*, tr. E. B. Cowell, in *Sacred Books of East*, Vol. XLIX, Part I, ed. F. Max Muller, Oxford, Clarendon Press, 1894.
- Ibid, *The Fo-Sho-Hing-Tsang-King, The Life of Buddha Chin*. Trans Dharmaraksha 420 AD. En. tr. Samuel Beal in *Sacred Books of East*, Vol. XIX, ed. F. Max Muller, Oxford: Clarendon Press, 1883.
- Beal, S, *Buddhism in China*, London, Society for Promoting Christian Knowledge, New York, E. J. B. young Co, 1884.
- Buddhaghosa, *Bhadantācariya, Visuddhimagga, the Path of Purification*, tr. Bhikkhu Nanamoli There, 4<sup>th</sup>ed., Kandy, Sri Lanka, Buddhist Publication Society, 2010.
- Dasgupta, Surendranath, *A History of Indian Philosophy*, Vol.1, Cambridge, Cambridge University Press, 1932.
- Kochumuttom, Tomas A., *A Buddhist Doctrine of Experience*, a New translation and Interpretation of the works of Vasubandhu the Yogacarin, Delhi, Motilal Banarsidass Publishers, 1989.



- *Maha-Parinibbana-Sutta*, tr. T. W. Rhys Davids in *Sacred Books of East*, Vol. XI, ed. F. Max Muller, Oxford, Clarendon Press, 1881.
- Monier Williams, Sir Monier, *Buddhism: in Its Conexion with Brahmanism and Hinduism and in Its Contrast with Christianity*, London, John Murray, 1980.
- Possin, L. De La Vallee, *The Way to Nirvana, Six Lectures on Ancient Buddhism As a Discipline of Salvation*, Cambridge, Cambridge University Press, 1917.
- Radhakrishnan, Sarvepalli, *Indian Philosophy*. 2vols, London: George Allen and Unwin, 1st ed. 1927, 2nd ed. 1929, Indian ed. 1940, reprinted in Holland, Van Leer and Co, 1948.
- Rhys Davids, C.A., *Buddhism, a Study of Buddhist Norm*, London, Williams and Norgate, 1912.
- Rhys Davids, T.W., *Buddhism: its History and Literature*, New York and London, G. P. Putnams Sons, 1907.
- Rhys Davids, T.W., *Early Buddhism*, London: Archibald Constable and Co. Ltd, 1908.
- Rhys Davids T. W. and William Stede eds. *Pali English Dictionary*, 4 vols. Pali Text Society, London, 1921–5, reprint, 1952.
- Stcherbatsky, Theodore, *The Conception of Buddhist Nirvana with Sanskrit Text of Madhyamaka-kārikā*, Intro, Jaideva Singh, Delhi, Motilal Banarsidass Publication, 1<sup>st</sup> ed. 1968, reprint 1999.
- Suzuki, Daisetz Teitaro, *Outline of Mahayana Buddhism*, London, Luzac and Company, 1907.
- “The Differences between Hinayana and Mahayana” , at:  
<http://www2.sgilibary.org/wnd2/wnd2-233-p0468.html>
- *The Dhammapada, a Collection of Verses Being One of the Canonical Books of the Buddhists*. Tr. F. Max Muller, in *The Sacred Books of the East*, Volume X part I, ed. F. Max Muller, Oxford, Clarendon Press, 1881.
- Thomas, Edward J., *The History of Buddhist Thought*, London: Rutledge and Kegan Paul, 1935, 2<sup>nd</sup> ed, 1951, reprinted by Lowe and Braydon, 1953.
- Vasubandu, *The Discourse on Buddha*, The Japanese Tripitaka, 1881.
- Williams, Paul, *Mahāyāna Buddhism: The Doctrinal Foundations*, London, Taylor & Francis, 1989.